

مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران و بررسی تطبیقی آن با قوانین موضوعه و اسلامی

سیدجواد موسوی طاها

کارشناسی ارشد در روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
sjmoota@yahoo.com

چکیده

حریم خصوصی از مفاهیم مهم در مسائل حقوقی امروزی است. از این روی حمایت از این حق از ضرورت های جدید حقوقی است که با رشد و توسعه فن آوریهای نوین اهمیت ویژه ای یافته است. حمایت های مدنی از حریم خصوصی و حمایت از افراد در برابر انواع شیوه های نقض آن، بخش جدایی ناپذیر حمایت از حریم خصوصی است. حمایت از این حق، شرایط لازم برای رشد و تکامل شخصیت افراد را فراهم می آورد و به انسانها اجازه می دهد تا در خلوت های ذاتی یا قراردادی خود، افکار و اعمال خویش را مورد محاسبه قرار دهند. حریم خصوصی با کرامت انسانی ارتباط تنگاتنگ دارد. به همین دلیل، حق حریم خصوصی یکی از مصادیق مهم حقوق بشر شناخته می شود و در بسیاری از اسناد بین المللی راجع به حقوق بشر، نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های بنیادین، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه اسلامی حقوق بشر به غیر قابل تعرض بودن آن تصریح شده است. نظام های حقوقی مختلف جهان به شیوه های گوناگون این حمایت های مدنی را در قوانین خود اعمال کرده اند. در حقوق ایران علی رغم وجود مبانی جدی و کافی حقوقی برای حمایت از این حق، لیکن تاکنون قانون جامع در این زمینه به تصویب نرسیده است. از این رو حقوق ایران در این رشته از حقوق نیازمند تحول و قانونگذاری است. منابع مسوولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی را میتوان در قرآن و فقه و در برخی قوانین مشاهده کرد، ولی قانونی که به صراحت درباره حریم خصوصی و انواع و موارد نقض و شیوه های جبران آن باشد، وجود ندارد. زیان های وارده ناشی از نقض حریم خصوصی در بعضی موارد مادی و در بیشتر موارد معنوی هستند. این خسارات در نتیجه لطمه به جان و یا عواطف و احساسات و آبروی افراد حاصل می شوند که باید به شیوه های مقتضی جبران شوند. ارزیابی انواع مختلف ضررها متفاوت بوده و اقدامات تأمینی برای دریافت و وصول آن، از مسائل مهم به شمار می روند، تا متضرر از نقض حریم خصوصی، بتواند با تمسک و توسل به آنها خسارات وارده بر خود را جبران کند و ضرر غیرقابل جبران نباشد.

واژه های کلیدی: حریم خصوصی، مسئولیت مدنی، حقوق معنوی، اسرار تجاری، شیوه های جبران، خسارت معنوی.

مقدمه

اصطلاح مسوولیت مدنی در زبان حقوق کنونی، نمایانگر مجموع قواعدی است که وارد کنندهٔ زیان رابه جبران خسارت زیان دیده ملزم می سازد، از دیدگاه دیگر، در هر مورد که شخص، ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می گویند در برابر او «مسوولیت مدنی» دارد. مسوولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی در قلمرو عام مسوولیت مدنی مورد مطالعه قرار می گیرد. در زندگی اجتماعی، با وجود پدیده های نوین که هر روز بر شمار آن افزوده می شود، همواره بیم کج روی برخی از استفاده کنندگان این پدیده ها وجود دارد. این کج روی و به عبارت دیگر، سوء استفاده از فن آوریهای مدرن همواره باعث بروز خسارات مادی و معنوی بر اشخاص می شود و مبنای اختلاف و درگیری در جوامع را پایه ریزی می کند. با آنکه مطالعه تاریخی نشان می دهد مسئله حریم خصوصی کم و بیش در همهٔ جوامع مطرح بوده است. اما دغدغهٔ حمایت از حریم خصوصی از دغدغه های جدی جوامع و اجتماعات امروز و زایندهٔ تحولات مختلف سده اخیر است که در همه جوامع به وقوع پیوسته یا در حال وقوع است.

مفهوم حریم خصوصی

با آنکه در جوامع بشری و علوم اجتماعی و مباحث سیاسی، حقوقی و فلسفی عبارت «حریم خصوصی» استعمال و استفاده می شود. لیکن تاکنون تعریف جامع و مانعی از آن ارائه نشده است و هر کس با توجه به معیارهای خود تعریفی از «حریم خصوصی» کرده است. در سال ۱۸۹۰ میلادی یکی از قضات دادگاه عالی ایالات متحده امریکا به نام «لوئیس براندایز» در مقاله ای با عنوان «حقوق مصونیت حریم خصوصی» برای اولین بار این مسئله را مطرح و آنرا حق افراد برای تنها بودن تعریف کرد.^۱ پس از این قضیه علما و صاحب نظران علم حقوق و علوم مرتبط با آن به این موضوع بسیار پراهمیت پرداخته و کتب و مقالاتی به رشته تحریر در آورده اند. البته پذیرش حریم خصوصی بعنوان یک حق انسانی ریشهٔ تاریخی دارد. در انجیل، قوانین یهود و در چین باستان و قرآن کریم مصونیهایی در این زمینه وجود داشته و دارد. برخی نویسندگان، سابقه این حق را به دوران رم و یونان باستان نسبت می دهند و منشأ آن را همان لزوم رعایت حق مالکیت نسبت به اموال مادی می دانند. حریم خصوصی، یکی از مصادیق حقوق شهروندی است و خلوتگاه انسانها محسوب می شود. مکانی که هیچ کس بدون مجوز حق ورود به آنرا ندارد. امروزه حریم خصوصی مفهومی چون، آزادی وجدان و اندیشه، کنترل بر جسم خود، داشتن خلوت و تنهایی در منزل و مکان خصوصی، کنترل بر اطلاعات شخصی، رهایی از نظارت های سمعی و بصری دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیشها و تجسسها و رهگیریها را در بر دارد. حریم خصوصی یک حق است و این حق اساسی مرتبط با حفظ مقام انسان و دیگر ارزش هایی است که کرامت انسانی برای ما به ارمغان می آورد. بر پایه این حق یک شخص یا گروه می تواند با میل و سلیقهٔ خود و با حداقل مداخله و ورود دیگران، زندگی کند. اینکه فرد چگونه لباس بپوشد و خود را آرایش و پیرایش کند، چگونه تفکر کند و نسبت به سیاست کشورش بیندیشد و مصادیق بسیار دیگر همگی، در حوزه حق حریم خصوصی است و ورود به این قبیل مقوله ها بدون اذن صاحب حق، نقض حریم خصوصی به حساب می آید. همانگونه که در بالا اشاره شد نظریه پردازان همواره از دشواری ارائه تعریف متقنی از حریم خصوصی شکوه کرده اند و برخی از صاحب نظران در این خصوص چنین اظهار عقیده کرده اند.

۱- تام گرتی: «حریم خصوصی برای حقوقدانان بیش از هر چیز دیگری واجد ظرفیتی متلون و متغیر است».

۲- کمیته کلکوت انگلستان گفته است: «ما نمی توانیم جائی پیدا کنیم که تعریف قانع کننده و قانونی از حریم خصوصی بعمل آمده باشد». البته این کمیته اخیراً تعریفی از حریم خصوصی ارائه نموده که بعداً به آن می پردازیم.

۳- آرتور میلر: «تعریف حریم خصوصی دشوار است زیرا حریم خصوصی مفهومی بسیار مبهم و شکننده است».

^۱ علی پیام، حریم خصوصی شهروندان افغانستان در اسناد حقوقی.

۴- ویلیام بی نی: «حتی جدی ترین مدافعان حق حریم خصوصی باید اعتراف کنند که مشکلات جدی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد».^۲

مبانی کلی حمایت از حریم خصوصی

پس از روشن شدن مفهوم و تعریف حریم خصوصی و اینکه حریم خصوصی یکی از مهمترین حقوق اولیه یک شهروند می باشد این نکته مورد توجه است که دلیل حمایت از حریم خصوصی چیست. بطور کلی می توان سه دسته طبقه بندی برای پاسخ به سؤال مذکور مطرح کرد.

- ۱- حمایت حریم خصوصی ناظر به حمایت از شخصیت انسانی.
- ۲- حمایت حریم خصوصی ناظر به حمایت از مالکیت.
- ۳- حمایت حریم خصوصی ناظر به حمایت از حیثیت افراد، که در ذیل به تفصیل به آنها می پردازیم.

۱- حمایت حریم خصوصی ناظر به حمایت از شخصیت انسانی

شخصیت انسان بواسطه انسان بودن، یعنی انسان به ما هو انسان و به خودی خود واجد حمایت است و این حمایت از بدو تولد هر انسان با او بوجود می آید و در طول زندگی با اوست و تا مرگ او کماکان این حمایت بصورت ناخودآگاه جریان دارد. تفاوت انسان با دیگر مخلوقات خداوند در همین شخصیت انسانی است، که پروردگار، او را آزاد و معقول آفریده است و نامش را «اشرف مخلوقات» نهاده، شخصیت والای انسانی اقتضاء دارد، محیط زندگی او مصون از هرگونه ناامنی و تعرض باشد. زیرا شخصیت انسان هنگامی رشد و تعالی دارد که او در محیطی مناسب و دور از هرگونه نگرانی به کار مورد علاقه اش بپردازد و در چنین فضایی است که انسان به بالندگی مادی و معنوی می رسد. بطور مثال؛ پیامبر اسلام (ص) قبل از مبعوث شدن به رسالت، جهت عبادت و راز و نیاز با معبود خویش، غار حرا را انتخاب می کند و در هنگام شب وقتی همگان در خواب هستند به غار می روند و آنجا را حریم خصوصی خود برای نیایش بر می گزینند تا اینکه جبرئیل امین مژده رسالت و پیامبری را به ایشان ابلاغ می فرمایند.

حریم خصوصی با آزادی و استقلال انسان و حق تعیین سرنوشت خود و در یک کلام، با دفاع از کرامت انسانی ارتباط تنگاتنگی دارد. از یک طرف همانگونه که اشاره شد، فضای لازم را برای رشد و تکامل شخصیت افراد فراهم می آورد و به انسان امکان می دهد که فارغ از فشارها و ملاحظاتی و محذورات برای خود خلوت و تنهایی و آرامش و امنیت خاطر داشته باشد و به درجات مادی و معنوی نایل شود و خود را مورد ارزیابی قرار دهد، و از سوی دیگر حمایت از حریم خصوصی مانع خورد شدن شخصیت انسان می شود. بعبارت دیگر چون انسانها همواره دارای نکات و نقاط ضعف می باشند و هر انسانی سعی دارد که این نقاط ضعف خود را از دیگران بپوشاند تا آبرو و حیثیت خود را حفظ نماید، بنابراین اگر افرادی به حریم خصوصی آنان وارد شوند و به این نقاط ضعف دسترسی پیدا کنند، حیثیت و آبروی آن اشخاص به مخاطره می افتد و چه بسا که عواقب هولناکی در پی داشته باشد. اگر صفحه حوادث روزنامه ها را ورق بزنیم کم نیست خودکشیهایی که در اثر پخش یک فیلم جشن تولد یا عروسی و یا صحنه های جنسی، رخ داده باشد.

بنابراین حریم خصوصی، حمایت کننده «شخصیت» انسان است که باید مصون از هر نوع تعرض باشد.

۲- حمایت حریم خصوصی ناظر به حمایت از مالکیت

دارایی هر شخص عبارت است از مجموع اموالی که به آن شخص اختصاص دارد، خواه در حقوق باشد یا داخل در تکالیف. بنابراین کلیه امور مالی هر شخص اعم از اعیان موجوده در خارج و مطالبات و دیونش، دارایی او را تشکیل می دهد. مال در اصل مخصوص طلا و نقره بوده سپس مفهوم آن توسعه یافته و شامل هر چیز قابل انتفاعی گردیده، پس هر چیزی که برای انسان نافع و استفاده از آن ممکن باشد آن را مال گویند. اما به شرط اینکه مملوک و یا قابل تملک باشد، یعنی انسان بتواند

^۲ باقر انصاری، حقوق حریم خصوصی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۲.

آن را از طریق حیزات تحت اختیار و سلطه خود درآورد. اشیائی که اختصاص به اشخاص معینی نداشته و قابل تملک نباشد مثل آفتاب و ماه و هر چه از این قبیل باشد مال بر آنها صادق نیست.^۳ از منظر حقوقی به چیزی مال گویند که دارای دو شرط اساسی باشد:

- ۱- مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی.

- ۲- قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد.^۴

اموال در ابتدا امر به اشیاء مادی اختصاص داشته و لکن اکنون هر آنچه باعث ثروت شود و بتوان آن را تملک کرد مال بر آن صدق می کند. بنابراین منازل و اراضی و همچنین اشیاء منقوله و حقوق ارتفاقی و حق تألیف و حق اختراع و از این قبیل موارد داخل در اموال است و اموال به اشیاء غیرمادی نیز اطلاق می شود.

اموال از یک منظر به منقول و غیرمنقول تقسیم شده اند و مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۹ قانون مدنی ایران به تعاریف آنها پرداخته است، از حیث دیگر، اموال به اعیان و منافع اختصاص دارد و از جنبه ای به مثلی و قیمی منقسم شده و همچنین اموالی که استفاده از آن با بقاء عین امکان دارد و اموالی که مصرف آن موجب از بین رفتن عین مال می شود از تقسیم های دیگر اموال محسوب شده و از دیگر نگاه، اموالی که دارای مالک هستند و اموالی که مالک خاصی ندارند، جزء تقسیم هایی است که قانون مدنی ایران از اموال ارائه داده است.

این تقسیم بندیها را علاوه بر مواد ذکر شده در بالا می توان از مواد ۵۵، ۳۳۸، ۴۴۶، ۷۷۴ و ۸۲۶ و ۹۵۰ و ۴۶ و ۶۳۷ قانون مدنی استنتاج کرد.

در خصوص اموال و مالکیت، کتابها و مقالات بسیاری نگاشته شده است و علماء حقوق مدنی در این باره نظرات مختلفی ارائه کرده اند و در این پایان نامه هدف ما باز کردن مباحث مربوط به اموال و مالکیت نمی باشد و فقط چون طرح مسائل مختصری راجع به اموال و مالکیت در اینجا لازم است، به این مقوله خواهیم پرداخت.

مالکیت حقی است که قوانین تمامی کشورها برای اتباع خود قائل هستند و به آن احترام می گذارند و از آن حمایت می کنند. مالک کسی است که تحت لوای قانون می تواند از مزایای حق خود منتفع شود و دیگران حق تعرض نسبت به آنرا ندارند. بند یک ماده ۲۹ قانون مدنی ایران، مالکیت را حقی برای شخص نسبت به اموال قلمداد کرده است. دکتر ناصر کاتوزیان، مالکیت را چنین تعریف کرده است: «مالکیت حقی است دائمی، که به موجب آن، شخص می تواند در حدود قوانین، تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند». همچنین این استاد برجسته حقوق، مالکیت را کاملترین حق عینی دانسته که انسان می تواند بر مالی داشته باشد و سایر حقوق عینی از شاخه های این حق سرچشمه می گیرد.^۵ دکتر بروجرودی عبده در تعریف ملکیت چنین می گوید: «ملکیت عبارت از حقی است که هر مالکی نسبت به انتفاع از ملک خود داراست و می تواند به هر طور بخواهد در آن تصرف نموده و از آن منتفع گردد و احدی حق ندارد با انتفاع و تصرفات او معارضه نماید».^۶

دکتر حسن امامی در تعریف مالکیت چنین می گوید: «ملکیت عبارت از رابطه ای است که بین شخص و چیز مادی تصور شده و قانون آنرا معتبر شناخته و به مالک حق می دهد که انتفاعات ممکنه را از آن ببرد و کسی نتواند از او جلوگیری کند». مالکیت حق مطلق، انحصاری و دائمی می باشد که شخص نسبت به مالی دارد. مطلق است از این حیث که مالک می تواند هرگونه انتفاعی را از ملک خود ببرد. انحصاری است برای آنکه حق مزبور اختصاص به مالک دارد و این حق منحصر به اوست و تمامی افراد باید آنرا محترم بشمارند و دائمی است زیرا مقید به مدت نیست.^۷

۳ محمد بروجرودی عبده، حقوق مدنی، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران ۱۳۸۰، ص ۱۱.

۴ ناصر کاتوزیان، اموال و مالکیت، انتشارات میزان، چاپ ۲۳، تهران، ۱۳۸۷، صفحه ۹.

۵ همان، ص ۱۱۰.

۶ محمد بروجرودی عبده، پیشین، ص ۲۴.

۷ حسن امامی، حقوق مدنی، جلد اول، انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، تهران، سال ۱۳۷۱، صفحه ۴۲.

اسلام برای مالکیت ارزش و اعتبار خاصی قائل است. در حدیث نبوی آمده است: «الناس مسلطون علی اموالهم» بنا به حدیث مذکور، مالک حق همه گونه تصرف را در ملک خود دارد. قانون مدنی ایران در ماده ۳۰ چنین می گوید: «هر مالکی نسبت بمایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد» و ماده ۳۱ همان قانون می گوید: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی توان بیرون کرد مگر بحکم قانون».

در قوانین ایران مواد مختلفی راجع به رسمیت شناختن مالکیت به تصویب رسیده است و برای متجاوزین به حق مالکیت، مجازاتهایی در نظر گرفته اند. ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۱ دیماه ۱۳۴۸، اثرهای مورد حمایت خود را در ۱۲ بند احصاء نموده است و در مواد ۲۴ و ۲۳ آن، مجازاتهایی را برای متخلفین در نظر گرفته است. بموجب ماده ۲۳ قانون مارالذکر: «هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است بنام خود یا بنام پدید آورنده بدون اجازه او و عالمأ عامداً بنام شخص دیگری غیر از پدید آورنده نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد». همچنین در ماده ۲۴ چنین آمده است: «هر کس بدون اجازه، ترجمه دیگری را بنام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس تأدیبی از ۳ ماه تا یکسال محکوم خواهد شد».

قانون ثبت علائم و اختراعات و طرحهای صنعتی که در مورخه ۱۳۸۶/۱۱/۳ مصوب شده است در مواد خود، حمایت خود را از مخترعین و مالک علامت و طرحهای صنعتی ثبت شده، اعلام کرده است و متجاوزین به حقوق مالکان را مستوجب کیفر دانسته است.

قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۶ دی ماه ۱۳۵۲ در مواد ۱ و ۳ خود حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره برداری و نشر و پخش هر ترجمه ای را با مترجم یا وراث قانونی او دانسته و نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است را بدون اجازه صاحب حق یا تولید کنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع میداند و در ماده ۷ قانون یاد شده برای متخلفان مجازات در نظر گرفته است.

ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۱۰، حمایت خود را از املاکی که در دفتر املاک به ثبت رسیده اعلام کرده است و اذعان داشته: «همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی که ملک مزبور به وی منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد مالک خواهد شناخت و ...».

با تدقیق نظر در اینکه در تمامی کشورها برای «مالکیت» اعتبار خاصی قائل هستند و قوانینی پیرامون این موضوع به تصویب رسانده اند، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، حمایت از حق مالکیت را اعلام کرده اند و قوانین مختلف ایران هم این حق مسلم را به رسمیت شناخته است که در بالا به تعدادی از مواد قانونی اشاره رفت. بنابراین، دست درازی به حق مالکیت افراد، تجاوز به حریم خصوصی آنان تلقی شده و چتر حمایتی «حریم خصوصی»، مالکیت و دارنده این حق را در بر می گیرد تا متخلفان و متجاوزان جرأت تعدی به خود راه ندهند و در صورت تعرض، با توسل به قوای قهریه می توان با آنان برخورد نمود. از طرفی، لازمه زندگی اجتماعی حمایت از «مالکیت» می باشد زیرا در صورتیکه هر فرد بخواهد مالکیت دیگری را بصورت غیرقانونی متزلزل کند و به آن یورش ببرد، نظم و انتظام جامعه بر هم می خورد و حریم خصوصی افراد اجتماع شکسته می شود. بر این اساس است که حمایت از حریم خصوصی مانع از آن می شود که مالکیت خصوصی افراد، زیر پا گذاشته شود و وسیله سلطه یافتن دیگران شود.

حقوق اسلام در حمایت از حریم خصوصی

با تدقیق نظر در قرآن و احادیث و متون فقهی موجود، مشاهده می شود اسلام پیش از کشورهای غربی سابقه حمایت از حریم خصوصی را دارا می باشد. لیکن متأسفانه در نظام حقوقی کشورهای اسلامی، در تدوین قوانین و مقررات مربوط به حریم خصوصی، حمایتهای لازم صورت نگرفته است و به نظر می رسد که اهمال و سرسری انگاشتن و بی توجهی قانونگذاران کشورهای اسلامی و عدم درک صحیح از احکام اسلامی درباره حریم خصوصی، باعث عدم وجود قانون خاص پیرامون حریم خصوصی در بلاد مسلمین باشد. اسلام تأکید بسیاری بر حرمت زندگی خصوصی انسانها قائل شده است و در منابع حقوق

اسلامی از جمله قرآن، سنت و اجماع، احکام متعددی در خصوص حریم خصوصی وجود دارد و تحت عناوین خاصی بیان شده است که ذیلاً به آنها می پردازیم.

الف - ممنوعیت تجسس و تفتیش

مسأله وجوب نگهداری آبرو و اسرار مسلمانان از جمله مسائل حیاتی است که باید همگان توجه خاصی نسبت به آن مبذول دارند. چرا که وجوب آن به ادله بدیهی وجدانی، عقلی و شرعی مستند می باشد.

مطابق داور عقل و دلالت بدیهی وجدان، اصل و قاعده این است که هیچ کس بر کس دیگر سلطه و غلبه نداشته باشد. کاوش و جستجو کردن درباره دیگران نوعی تصرف و دخالت درباره آنان است. بنابراین به موجب قضاوت عقلی می توان جایز نبودن تجسس و تفتیش را فهمید.

از جمله وظایف خطیری که دین مبین اسلام به آن اهتمام ورزیده، نگهداری «حرمتها و آبروی مسلمین» و پرهیز از جستجو و تفتیش عقاید مردم و اسرار آنان است. تجسس و خبجویی از درون زندگی شخصی مردم و امور پنهانی آنها جایز نیست و به هیچ کس اجازه داده نشده که اسرار و لغزشهای مردم را پخش و افشا کند. بر پایه این دو اصل است که زندگی توده های مردم بنیان گزاری شده است. امنیت و آسایش همگانی مردم فقط با مراعات این دو اصل فراهم می گردد.^۸

قرآن کریم، کتاب آسمانی و جاودانه ما نیز در چندین مورد به ممنوعیت تجسس و تفتیش در امور دیگران تصریح کرده اند. خداوند متعال فرموده است: «یا ایهاالذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم، و لا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا و...»^۹

«ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری گمانها درباره دیگران پرهیزید، برآستی که برخی از گمانها گناه است. درباره همدیگر جستجو و کنجکاو می کنید و...».

مطابق نظر مفسرین قرآن مجید، منظور از کلمه «ولاتجسسوا» تحریم کنجکاو و دنبال کردن لغزشها و خطاهای اهل اسلام است. چنانکه در مجمع البیان مرحوم طبرسی فرموده است: «ابن عباس، قتاد و مجاهد گفته اند: و لا تجسسوا یعنی در پی جستجوی عیبها و دنبال کردن لغزشهای مردم نباشید».^{۱۰}

در هر صورت خداوند مردم را از هر گونه تجسس و کنجکاو در امور پنهانی و زندگانی شخصی افراد نهی فرموده است. در صورت آگاهی پیدا کردن به اسرار و عیوب و مسائل شخصی دیگران از بازگو و پخش آن در میان مردم نهی فرموده است. زیرا بنظر می رسد حیات و زندگی هر انسانی به آبرو و حیثیت اجتماعی او بستگی دارد. از بین بردن آبرو و حیثیت شخص و هتک حرمت او به منزله از بین بردن زندگی و حیات اوست.

از پیامبر اسلام (ص) روایات متعددی در خصوص ممنوعیت تجسس نقل شده است که ذیلاً به چند نمونه از این احادیث می پردازیم.

۱- «ایاکم و الظن فان الظن اکذب الحدیث، و لا تجسسوا و لاتحسسوا و لاتناجشوا و لاتحاسدوا و لاتدابروا و لاتباغضوا و کونوا عبادالله اخواناً».

«از بدگمانی نسبت به دیگران پرهیزید، چرا که آن حرفی که بر پایه سوء ظن و بدگمانی گفته شود، دروغ ترین سخنان است. در کارهای آشکار و پنهان مردم کنجکاو و تجسس نکنید و درباره همدیگر افشاگری نکنید و نیز مبادا که نسبت به همدیگر کینه و حسد داشته باشید و یا پشت سر یکدیگر حرف بزنید، بلکه بندگان خدا باشید و با همدیگر به برادری رفتار کنید».^{۱۱}

۲- «انی لم اومر ان انقب عن قلوب الناس و لا اشق بطونهم».^{۱۲}

۸ حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمد صلواتی، جلد چهارم، نشر سراپی، تهران، ۱۳۷۹، صفحات ۲۸۴ و ۲۸۳.

۹ سوره مبارکه حجرات آیه شریفه ۱۲.

۱۰ فضل بن الحسن طبرسی، مجمع البیان، جلد پنجم، جزء ۹، قم، ۱۴۰۳ هـ. ق، ص ۱۳۷.

۱۱ ابی عبدالله محمد بن احمدانصاری (قرطبی)، تفسیر قرطبی، جلد شانزدهم، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ هـ. ق، ص ۳۳۱.

۱۲ محمد ری شهری، میزان الحکمه، جلد اول، انتشارات دارالحدیث، قم، ۱۳۷۵، ص ۳۹۱.

- «من مأمور نگشته ام دل‌های مردم را بشکافم و از افکار درونی آنها باخبر شوم».
- ۳- «و من مشی فی عیب اخیه و کشف عورته کان اول خطوة خطاها و وضعها فی جهنم و کشف عورته علی رؤوس خلائق».^{۱۳}
«هر کس در راه جستجوی عیوب و کشف لغزشهای برادرش گام نهد پای در آتش دوزخ گذارده است و خداوند عیوب او را بر همگان آشکار خواهد کرد».
- ۴- «من رأی عورة فسترها کمن احیا موووده».
«هر کس عیب دیگری را بیوشاند همانند کسی است که زنده به گوری را نجات داده باشد».
- ۵- «یا مشعر من اسلم بلسانه و لم یسلم بقلبه، لا تتبعوا اثرات المسلمین، فانه من تتبع عثرات المسلمین تتبع الله عثرته، و من تتبع الله عثرته یفضحه»
ای کسانی که اسلام را فقط در حد اقرار با زبان پذیرفته‌اید، لکن نور به ژرفای دل‌های تان رسوخ نیافته‌است، لغزشهای مسلمانان را تجسس و دنبال نکنید، چون هر کس که لغزشهای مسلمانان را دنبال کند خداوند نیز لغزشهای او را دنبال خواهد کرد، و کسی که خداوند لغزشهای او را پی جویی و دنبال کند، سرانجام او را رسوا خواهد ساخت».^{۱۴}
- ۶- کلینی با سند ویژه از محمد بن مسلم (یا از حلبی)، از امام صادق (ع) روایت کرده است که پیامبر اسلام (ص) فرمود:
«درباره لغزشهای مؤمنین تجسس و جستجو نکنید، چونکه هر کس لغزشهای برادران مؤمن خود را پی جویی و تجسس کند، خداوند نیز لغزشهای خود او را پی جویی خواهد کرد، و چنین کسی را خداوند بی آبرو و رسوا خواهد ساخت هر چند که در درون خانه اش باشد».^{۱۵}
- ۷- در تفسیر قرطبی از پیامبر اسلام (ص) روایت شده است که فرمودند: «خداوند خون مسلمان، آبروی مسلمان و بدگمان بودن درباره او را حرام کرده است».^{۱۶}
- علاوه بر احادیث مذکور که از رسول مکرم اسلام نقل شده، احادیثی در این خصوص از ائمه اطهار منقول است که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌نمائیم.
- ۱- مولای متقیان علی (ع) می‌فرمایند: «تتبع العورات من اعظم السؤات».
«پی جویی و کنجکاوی نسبت به اسرار و امور پنهانی مردم از بدترین گناهان است».^{۱۷}
- ۲- باز از آن حضرت است: «تتبع العیوب من اقیع العیوب و شرالسیئات»
«کنجکاوی و دنبال کردن عیبهای دیگران، خود از زشت‌ترین عیبها و بدترین گناهان است».^{۱۸}
- ۳- همچنین آن حضرت فرموده‌اند: «من بحث عن اسرار غیراظهر الله اسراره».
«هر کس درباره اسرار و امور پنهانی دیگران جستجو و گفتگو کند خداوند نیز اسرار او را برای دیگران فاش خواهد فرمود».^{۱۹}
- ۴- آن حضرت در نهج البلاغه ضمن نامه معروف خود به مالک اشتر چنین می‌نویسد.
«دورترین و کم‌ارج‌ترین افراد در نزد تو باید کسانی باشند که نسبت به پی جویی و پخش عیوب و اسرار مردم حریص تر و بی‌باک‌ترند. برای اینکه نوعاً مردم دارای لغزشها و عیوبی هستند که حاکم و حکومت برای پنهان داشتن آنها از همه سزاوارتر

۱۳ سید محسن خرازی، «فی التجسس و التفتیش» ص ۵ قابل دسترس در <http://www.Islamicfegh.org/magazinesfeghti11.htm>

۱۴ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، جلد ۲، دارالتبلیغ الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷، ص ۳۵۵.

۱۵ همان، ص ۳۳۵.

۱۶ ابی‌عبدالله محمد بن احمد انصاری (قرطبی)، پیشین، ص ۳۳۲.

۱۷ عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر و درر، جلد ۳، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲، صفحه ۳۱۸ - حدیث ۴۵۸۰.

۱۸ همان، حدیث شماره ۴۵۸۱.

۱۹ همان، جلد ۵، ص ۳۷۱، حدیث ۸۷۹۹.

است. پس هرگز درصدد کشف کردن آن لغزشهایی که پنهان از تو صورت گرفته است برنیا. چون تو فقط مسوول پاکسازی جامعه از آلودگی های آشکار و ظاهری هستی، درباره لغزشهای پنهانی مردم خداوند خود داوری خواهد کرد».^{۲۰} علاوه بر احادیث و روایات مذکور، روایات بسیاری در این مقوله از ائمه اطهار وجود دارد که بعلت طولانی شدن بحث از ذکر آنها خودداری می نماییم. بنابر مجموع آیات و روایاتی که تا این جا نقل و بررسی کردیم، نشان دهنده دیدگاه شرع مقدس اسلام در زمینه ضرورت و لزوم عدم تفتش و تجسس در امور و اعمال مردم جامعه اسلامی می باشد. از منظر شرع مقدس، اقدام به اینگونه اعمال و تجسس در امور پنهانی و اسرار مسلمین و افشاگری آن حرام و حفظ آبرو و عرض مسلمین برای تمام افراد جامعه اسلامی واجب شمرده شده است.

در این راستا ایسنا نظر آیات عظام را با طرح دو سؤال در این خصوص خواستار شده است که در ذیل به سؤالات و پاسخ مراجع عظام می پردازیم.

سؤال: «تجسس و تفتیش در امور شخصی و حریم خصوصی افراد چه حکمی دارد؟ اخیراً سایت هایی اقدام به انتشار مطالبی در خصوص حوزه شخصی و حریم خصوصی افراد می کنند، صرفنظر از مطالبی که از سوی این سایت ها اعلام می شود، حکم انتشار چنین مطالبی از دید شرع مقدس چیست؟ اگر فردی را به اتهام تخلفی بازداشت و زندانی کنند و به خاطر تخلف اقدام در تفتیش منزل وی کنند، آیا جایز است درباره مسایل دیگر زندگی او اقدام به جمع آوری مدرک و تفتیش منزل وی کنند».

پاسخها

آیت الله موسوی اردبیلی پاسخ داده اند: «تجسس و تفتیش در حریم خصوصی افراد و انتشار و نتیجه آن جایز نیست مگر به حکم قاضی واجدالشرايط شرعی قضاوت و با اکتفا به امور مرتبط با جرم و نهایت احتیاط در اصل حکم و خصوصیات آن و مرحله اجرا که بی جهت اسرار مردم فاش نشده و آبروی آنها نریزد. عرض المومن کدمه».

آیت الله نوری همدانی پاسخ دادند: «۱- در فرض مسأله جایز نیست. مگر در مواردی که بر اساس مقررات حکومت اسلامی جایز یا لازم باشد. ۲- جایز نیست. ۳- بر اساس مقررات حکومت اسلامی عمل شود».

آیت الله صافی گلپایگانی اعلام نظر کردند: «۱- تجسس در امور شخصی افراد و نشر آن در صورت عدم رضایت شخص وجهه شرعی ندارد مگر اینکه امر مهمی باشد که مستلزم تجسس است و اهمیت آن بیش از حرمت تجسس باشد. ۲- حکم سؤال قبلی را دارد. و الله العالم».

آیت الله مکارم شیرازی پاسخ داده اند: «هیچ کدام از سه صورت بالا جایز نیست».

آیت الله فاضل لنکرانی پاسخ داده اند: «جایز نیست».

آیت الله بهجت چنین نظر داده اند: «۱- جایز نیست به عنوان اولی ۲- معلوم شد ۳- مثل قبلی هاست».

آیت الله مظاهری چنین نظر داده اند: «۱- تجسس و تفتیش در امور دیگران از گناهان بزرگ در اسلام است. ۲- انتشار هر مطلبی که مربوط به امور شخصی و حریم خصوصی افراد است به هر نحوی حرام و گناه آن بسیار بزرگ است. ۳- موارد تفاوت نمی کند ولی آنچه مسلم است. چنین کاری، حتماً، نیازمند اذن قاضی یا مسئولان مربوطه است».^{۲۱}

با مذاقه در نظرات فقهی آیات عظام و در مجموع می توان نتیجه گیری کرد، دخول در حریم خصوصی اشخاص بدون اذن آنها از حیث شرعی حرام می باشد. این حکم کلی است که استثنائاتی را دربر دارد و در نظرات فوق، بعضی از فقها بذکر آن استثناها پرداخته اند و در غیر موارد استثناء حوزه حریم شخصی و خصوصی افراد اجتماع را محترم شمرده و تعرض به آن را گناه قلمداد کرده اند.

ب - ممنوعیت ورود به منازل بدون اذن

۲۰ سید علینقی فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۱، ص ۹۹۸.

۲۱ ناصر سراج، حریم خصوصی، قابل دسترس در

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1387316>

شریعت مقدس اسلام به مسئله احساس آرامش و امنیت مردم در شئون زندگی و امور داخلی شان ارزش و اهمیت بسیار قائل است. در آیات قرآن و سنت اسلامی، ورود به منازل اشخاص منوط به استیناس و استیذان شده است. استیناس یعنی هنگام ورود به منزل باید خود را معرفی کرد تا صاحب خانه شخص مراجعه کننده را بشناسد و اگر تمایل داشت، درب خانه را به روی وی بگشاید و استیذان یعنی جلب رضایت صاحب منزل قبل از ورود به آن. این دو موضوع مهم شرط تفتیش و بازرسی منازل اشخاص به حساب می آیند.

خداوند متعال در قرآن مجید می فرماید:

«یا ایها الذین اموا لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی اهلها ذلکم خیر لکم تذکرون * فأن لم تجدوا فیها احداً فلاتدخلوها حتی یؤذن لکم ان قبل لکم ارجعو فارجعوا هو ازکی لکم و الله بما تعلمون علیم».

«ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه هایی که خانه های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید. و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد «برگردید» برگردید که آن برای شما سزاوارتر است و خدا به آنچه انجام می دهید داناست».^{۲۲}

مرحومه علامه طباطبائی در تفسیر آیه اول (آیه ۲۷) می فرماید: «مثلاً با یا الله گفتن یا سرفه کردن و مانند آن صاحب خانه را خبر کند که کسی هست که می خواهد داخل شود تا صاحب خانه آماده ورود او گردد، چه بسا در حالتی باشد که نخواهد کسی او را ببیند یا فردی از آن مطلع گردد».^{۲۳}

قرآن مجید در جای دیگر چنین می فرماید: «واتوا البیوت من ابوابها».

«به منازل مردم تنها از در آنها وارد شوید»^{۲۴}

با وجود صراحت آیات مذکور در عدم ورود غیرمجاز به منزل و مسکن اشخاص، احادیث و روایات متعددی بر منع ورود بدون اذن نقل شده است. حکم پیامبر اسلام در قضیه سمره بن جندب از مهم ترین نمونه های تاریخی است که بر ممنوعیت ورود بدون اذن به خانه های مردم دلالت می نماید.

سمره بن جندب در منزل یکی از انصار یک درخت نخل داشت، که هر وقت و بی وقت جهت سرکشی به آن، بدون اذن صاحب خانه وارد منزل می شد. صاحب خانه پس از چند بار اعتراض به وی، نتیجه ای نگرفت و جهت رسیدگی موضوع به پیامبر (ص) مراجعه نمود. پیامبر ابتدا از سمره خواست که بدون اذن وارد خانه مرد انصاری نشود ولی سمره قبول نکرد. پیامبر از سمره خواست که از نخل خود صرفنظر کند و نخل دیگری و حتی تعداد بیشتری نخل در جای دیگری بجای آن دریافت کند. ولی سمره نپذیرفت. پیامبر فرمودند از نخل خود صرفنظر کن و به جای آن در آخرت نخلهای دیگری به تو خواهم داد، باز هم سمره قبول نکرد. در این حال بود که پیامبر به مرد انصاری دستور داد تا نخل را از ریشه بکند و در مقابل سمره بیندازد، و فرمودند «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام».^{۲۵}

صاحب کتاب «کنز العمال» داستان تاریخی جالبی را از شخصی بنام ثور کندی نقل کرده است.

ثور کندی می گوید: «عمر بن خطاب به هنگام زمامداری خود، در یکی از شبها، برای آگاهی از اوضاع و احوال شهر مدینه شب گردی می کرد. از خانه ای صدای آوازه خوانی و تغنی شنید. بدون اطلاع صاحب خانه از دیوار آن بالا رفته و خطاب به صاحب خانه گفت: ای دشمن خدا! آیا گناه می کنی و گمان داری که خداگناه تو را از دیگران پنهان می دارد؟ صاحب خانه گفت: یا امیرالمؤمنین! بر من شتاب مکن، اگر من یک گناه انجام داده ام، شما سه گناه انجام داده ای، اول اینکه خداوند فرموده است: «تجسس نکنید - لاتجسسوا- و شما تجسس کرده ای. دوم اینکه خداوند فرموده است: «واتوا البیوت من ابوابها» یعنی از در وارد خانه شوید و شما از دیوار بالا آمده ای. سوم اینکه خداوند فرموده است: لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا، و تسلّموا

۲۲ سوره مبارکه نور، آیه شریف ۲۸ و ۲۷.

۲۳ سید محمد حسین طباطبائی، تفسیرالمیزان، جلد ۱۵، موسسه اعلمی، چاپ سوم، بیروت، ۱۳۹۳ هـ. ق، ص ۱۰۹.

۲۴ سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۸۹.

۲۵ سید محمد حسن بجنوردی، قواعد فقه، نشر عروج، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۱.

علی اهلها، «یعنی بجز خانه خودتان وارد هیچ خانه ای نشیود مگر بعد از آنکه صاحب خانه به شما اجازه دهد و به هنگام ورود بر اهل آن خانه سلام کنید».

شما بدون تحصیل اجازه و سلام بر خانه آمدی! عمر چون جوابی قانع کننده نداشت. گفت: اگر من تو را ببخشم، خوب می شوی و توبه می کنی. گفت: بلی، عمر او را نادیده گرفت و از خانه اش بیرون شد و رفت.^{۲۶}

همه فقها اعم از امامیه، حنفی، حنبلی، شافعی و ظاهری دفع کسی را که بدون اجازه به منزل دیگری وارد می شود جایز شمرده اند. با توجه به آیات قرآنی و روایت وارده نه تنها دفع متجاوز به حریم خصوصی و منازل افراد، جایز دانسته شده، بلکه قتل او در صورتیکه دفاع منوط به آن باشد، مباح و مشروع انگاشته شده است. فقهای امامیه پیرامون دفع متجاوز بر این عقیده اند: «اگر کسی وارد منزلی شود و صاحب منزل از ورود او جلوگیری کند ولی متجاوز بیرون نرود و دفاع منجر به مرگ متجاوز یا از بین رفتن عضوی از او شود، مدافع اگر شرایط مذکور در دفاع را رعایت کرده باشد مسؤول نمی باشد».^{۲۷} فقهای امامیه جهت اثبات عقیده خود به احادیث زیر استناد کرده اند.

- ۱- «من دخل علی مومن داره محاربا، دمه مباح فی تلک الحال للمؤمن و هو فی عنقی». کسبیکه با جنگ و ستیز وارد منزل مؤمنی شود، خونس در آن حال بر او مباح است من خونس را به گردن می گیرم».^{۲۸}
 - ۲- عن جعفر عن ابیه (ع) قال: «ان الله لیمقت العبد یدخل علیه فی بینه فلا یقاتل».
 - «خداوند بنده ای را که متجاوزی وارد خانه اش شود و با او نجننگ دشمن می دارد».^{۲۹}
 - ۳- عن رسول الله (ص) قال: «یبغض الله تبارک و تعالی رجلاً - او ان الله عز وجل یبغض الرجال یدخل علیه فی بینه فلا یقاتل».
 - «خداوند کسی را که متجاوزی وارد خانه اش شود و با او نجننگ دشمن می دارد».^{۳۰}
- فقهای حنفی، حنبلی، شافعی و ظاهری همگی بر این عقیده اند که منزل مسلم مصون از تعرض متجاوز است و در صورت تجاوز به منزل شخص، وی می تواند با توجه به مراتب و شرایط خاص، متجاوز را دفع و حتی او را به قتل برساند.^{۳۱}

ج - ممنوعیت استراق بصر

انسان خانه اش را محل امنی می داند که در آن از آنچه خداوند روا داشته بهره جوید و آزادانه به استراحت و آسایش بپردازد و از کلیه استمتاع بهره مند گردد. در اسلام هتک ستر و نگاه کردن به هر آنچه نوعاً یا شخصاً در قلمرو حریم خصوصی قرار می گیرد ممنوع است. یکی از اموری که آسایش، آرامش و خوشبختی انسان را مکدر و بلکه آزادی مشروعش را از او سلب و حرمت مسکنش را هتک می کند و حریم خصوصی وی را به مخاطره می اندازد، نگاه کردن اشخاص از لابلای شکافهای درها و پنجره ها و نظیر آن به منظور اطلاع از اموری است که در منزل رخ می دهد و صاحب خانه یا مالک محل، علاقمند به مخفی ماندن آن از دید دیگران است. خداوند عزوجل می فرماید:

«قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون و قل للمومنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یدین زینتهن الا ما ظهر منها...».

«به مومنان بگو چشمهای خود را «از نگاه به نامحرمان» فروگیرند و فروج خود را حفظ کنند، این برای آنها پاکیزه تر است. خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است. و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را از نگاه هوس آلود فرا گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند و...».^{۳۲} ابن اثیر در تفسیر این آیه می گوید: «این آیه،

۲۶ حسینعلی منتظری، پیشین، ص ۲۹۷.

۲۷ میرسید علی طباطبایی، ریاض المسائل، جلد ۱۴، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۲ هـ.ق، ص ۲۶.

۲۸ همان، ص ۲۲۷.

۲۹ محمد بن الحسن طوسی، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، جلد ۶، نشر دارالتعارف، چاپ اول، بیروت، ۱۴۰۱ هـ.ق، ص ۱۵۷.

۳۰ محمد بن الحسن عاملی، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۳۷۲، کتاب جهاد.

۳۱ داود العطار، دفاع مشروع در حقوق جزای اسلامی، ترجمه اکبر غفوری، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰، ص ۲۱۲.

۳۲ سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۳۰ و ۳۱.

دستوری است که از جانب خداوند متعال به بندگان مؤمنش، که چشمان خود را از آنچه خداوند حرام کرده فرو گیرند و جز به آنچه بر آنها مباح است نظر نیندازند و دیدگان خود را از محارم فرو بندند.

صحیحہ حماد بن عیسی از امام صادق (ع) نقل می کند، که آن حضرت فرمود: «روزی پیامبر (ص) در یکی از اطاقهایش بسر می برد که به ناگاه مردی از شکاف در به داخل اطاقش نگاه کرد. در این هنگام شانه ای در دست پیامبر (ص) بود، حضرت فرمود: اگر نزدیکت می بودم، با همین شانه چشمت را کور می کردم».

صحیحہ ابن مسلم از امام باقر (ع) نقل می کند، که آن حضرت فرمود: «عورت مؤمن بر مؤمن حرام است و اگر کسی به مؤمنی در منزلش نگاه کند، در آن هنگام حق دارد چشمانش را کور کند».^{۳۳}

مطابق تعالیم اسلامی هیچ کس نمی تواند بدون اذن همسایه به خانه او خروجی دهد یا به ملک او پنجره باز کند. اما چنانچه شخصی مبادرت به این کار نمود همسایه نیز می تواند در مقابل، پنجره یا پرده بکشد، یا به نوعی مانع ایجاد کند که از دید همسایه جلوگیری کند.

نگاه کردن به خانمهای محجبه در دیدگاه اسلام ممنوع بوده و ناظر، مرتکب گناه نیز گردیده است.

اسلام استراق بصر را نقض حریم خصوصی افراد قلمداد کرده و بعضی از فقها دفع آن را جایز و بعضی واجب دانسته اند.^{۳۴}

د- ممنوعیت استراق سمع

استراق سمع در سنت اسلامی از اعمال زشت و نکوهیده می باشد. در تفسیر نورالثقلین به نقل از کتاب «خصال صدوق» از قول محمد بن مروان از امام صادق (ع) روایت نموده است که مروان گفته است من شنیدم آن حضرت فرمود:

«سه دست هستند که روز قیامت دچار عذاب الهی خواهند شد و آنان را برشمرد تا اینکه فرمود: [از جمله کسی که به مکالمه دیگران گوش دهد در حالی که آنان به این کار رضایت ندارند. به گوشهای چنین کسانی در روز قیامت سرب گداخته خواهند ریخت».^{۳۵}

همچنین در تفسیر نور الثقلین عکرمه از ابن عباس نقل کرده است که او گفت، من از پیامبر خدا (ص) شنیدم که در ضمن سخنان خود فرمود:

«هر کس به سخنان و گفتگوی دیگران گوش بسپارد در حالیکه آنان رضایت ندارند، در روز قیامت به گوشهای او «آنک» یعنی سرب گداخته می ریزند. سفیان ثوری گفته است: منظور از کلمه «آنک» در متن حدیث سرب است».^{۳۶}

ه- ممنوعیت بدگمانی

منشأ و ریشه اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران، بدگمانی نسبت به آنان می باشد. اسلام برای اینکه ریشه تجسس در امور مردم را بطور بنیادی از بین ببرد به افراد جامعه توصیه کرده تا از سوء ظن درباره همدیگر پرهیز کنند. در اسلام ظواهر حجیت دارند و نباید پیرامون ظواهر تجسس نمود.

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات فرموده است:

«یا ایها الذین اموا اجتنوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و...».

«ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری گمانها درباره دیگران پرهیزید، به راستی که برخی از گمانها گناه است و...».

در تفسیر آیه شریفه مذکور قرطبی چنین گفته است:

«در کتابهای صحیح بخاری و مسلم از ابوهریره نقل شده که پیامبر اسلام (ص) فرمود: از بدگمانی نسبت به دیگران پرهیزید، چرا که آن حرفی که بر پایه سوء ظن و بدگمانی گفته شود، دروغ ترین سخنان است و...».^{۳۷}

^{۳۳} داود العطار، پیشین، ص ۱۴۳.

^{۳۴} سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، جلد دوم، انتشارات دارالعلم، قم، بی تا، ص ۴۷۱ (دوجلدی)

^{۳۵} عبد علی بن جمعه العروسی الهویزی، تفسیر نور الثقلین، جلد پنجم، چاپخانه علمیه، قم، بی تا، ص ۹۳.

^{۳۶} همان، ص ۹۳.

^{۳۷} ابی عبدالله محمد بن احمد انصاری (قرطبی)، پیشین، ص ۳۳۱.

همچنین در تفسیر قرطبی از پیامبر اسلام (ص) روایت است که فرمود:
«خداوند خون مسلمان، آبروی مسلمان و بدگمان بودن درباره او را حرام کرده است».^{۳۸}
و نیز امام علی (ع) در این باره چنین فرموده اند:
«سوء الظن یفسد الامور و یبعث علی الشرور».
«بدگمانی نسبت به دیگران کارها را تباہ می سازد و شرارتها را بر می انگیزد».^{۳۹}
بیهقی در کتاب «سنن» با سند ویژه خود از گروهی از اصحاب پیامبر (ص) از آن حضرت نقل کرده است که رسول خدا (ص) فرمود:
«ان الامیر اذا ابتغی الریبه فی الناس، افسدهم».
«اگر زمامدار ملتی بخواهد بدگمانی های خود را دنبال کند ملت خود را به فساد و تباهی خواهد کشانید».^{۴۰}
از امام کاظم (ع) روایت شده است:

«اذ کان الجور اغلب من الحق، لم یحل لاحد ان یظن باحد خیراً حتی یعرف ذلک منه».
امام صادق (ع) در تصدیق قول و فعل مسلم و نهی از سوء ظن فرموده اند:
«المؤمن اصدق علی نفسه من سبعین مؤمناً علیه».
مؤمن در تصدیق نفس خود از هفتاد مؤمن صادق تر است.

همچنین محمد بن فضیل از آن امام همام روایت کرده است: «به آن حضرت گفتم، فدایت شوم، گاهی می شود که مطالب ناپسندی درباره برخی از برادران دینی خود از دیگران می شنوم ولیکن وقتی از خود او می پرسیم، آنرا منکر می شود، در حالی که دیگران که درباره او برایم نقل مطلب کرده اند مورد اعتماد و موثق می باشند، حضرت برای من فرمودند: ای محمد! درباره برادران دینی خود چشم و گوش خود را تکذیب کن و اگر دیگران درباره شخص با پنجاه سوگند نیزگواهی دهند و لکن خود آن شخص خلاف حرف آنها را بگوید، حرف خود او را قبول کن و ...».^{۴۱}

ابن جوزی در تفسیر آیه ۱۲ سوره حجرات می نویسد که ظن بر چهار قسم است. محذور، مأمور به، مباح و مندوب الیه. ظن محذور یعنی سوء ظن به خداوند متعال، چون که حسن ظن به خدا واجب است. همچنین است سوء ظن به مسلمینی که ظاهرشان عادلانه است. ظن مأمور به عبارتست از ظن نسبت به چیزی بی آنکه دلیلی که وصول علم به آنرا ممکن سازد ارائه شده باشد، در چنین مواردی، عمل به ظن غالب و اکتفا بر غلبه به جای علم، جایز است. پذیرش شهادت، عدول و تقویم مستهلکات و ارشهایی که در قبال جنایات باید پرداخت شود بر منبای این ظن صورت می گیرد. ظن مباح، همانند ظن پس از نماز است که در اینصورت شخص می تواند بنا بر بعد غالب ظن خود عمل کند یا اینکه آن را نادیده بگیرد. در مورد چنین ظنی از پیامبر اکرم (ص) منقول است در صورتی که ظنی در شما پیدا شد درباره آن تحقیق کنید، نظیر ظنی که در قلب خود نسبت به برادر خود پیدا می کنید و بر اساس این ظن به وی مشکوک می شوید. ظن مندوب الیه عبارت است از حسن ظن نسبت به برادر دینی.^{۴۲}

و - ممنوعیت غیبت

ممنوعیت غیبت و نیمه در آیات و روایتهای بسیاری آمده است. خواه با زبان، خواه بصورت مکتوب و یا با ایما و اشاره ادا شود. نیمه، اظهار عیب یا نقص در مورد دیگری است به گونه ای که سبب کراهت خاطر و ناراحتی وی می شود. به دلالت بخشی از

۳۸ همان، ص ۳۳۲.

۳۹ عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، پیشین، ص ۳۷۱.

۴۰ ابی بکر احمد بن حسین بن علی البیهقی، سنن بیهقی، جلد ۸، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۴۴ هـ، کتاب الاشریه، باب ماجاء می النهی عن التجسس.

۴۱ عبدعلی بن جمعه العروسی الهویزی، پیشین، جلد ۳، ص ۵۸۲.

۴۲ قرشی البغدادی، زادالمسیر، جلد ۷، دارالفکر، قم، ص ۱۸۵.

آیه ۱۲ سوره حجرات، آنجا که خداوند می فرماید: «... ولا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضا، ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتأفکر هتموه».

«... درباره همدیگر جاسوسی و کنجکاوی نکنید، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد البته که از آن بدتان می آید».

شیخ مرتضی انصاری در مقام تفسیر این آیه در کتاب مکاسب خود چنین گفته است: «خداوند مؤمن را برادر مؤمن، آبروی او را نیز مانند گوشت تن او قرار داده و از بین بردن آن آبرو از راه غیبت و افشاگری اسرار و عیوب پنهانی مؤمنین را نیز به منزله خوردن گوشت او معرفی کرده است. این مسأله بخاطر این است که غیبت کردن درباره افرادی که حضور ندارند تا از خود دفاع کنند، به منزله این است که او را بصورت یک مرده فرض کرده باشند».^{۴۳}

در وسایل الشیعه از زبان اباذر منقول است که پیامبر (ص) به وی وصیت کرده است:
«الغیبت الشد من الزنا».

«غیبت شدیدتر از زنا است» اباذر می گوید پرسیدم چرا؟ پیامبر فرمودند: زیرا شخص زناکار چه بسا ممکن است توبه کند و توبه اش نیز مقبول حق قرار گیرد، اما غیبت بخشیده نمی شود مگر آنکه کسی که از او غیبت شده ببخشد. اباذر می گوید پرسیدم: ای پیامبر، غیبت چیست؟ پاسخ دادند: یعنی اینکه پشت سر برادرت حرفی بزنی که او خوشش نمی آید. گفتم حتی اگر آن حرف حقیقت داشته باشد. فرمودند: بدان که اگر شخصی را به گونه ای یاد کنی که در خصوص او صدق می کند مرتکب غیبت شده ای، اما اگر آنچه گفته ای در خصوص او صادق نباشد مرتکب بهتان شده ای».^{۴۴}

ز - ممنوعیت اشاعه فحشا و هتک ستر

افشای امور و مسائلی که نوعاً برای دیگران فاش نمی شود و کتمان آنها برتر از ابراز آنها تلقی می شود از منظر اسلام منع شده است. خداوند متعال در این مورد می فرماید:

«ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم، فی الدنیا و الاخره».

«کسانیکه پخش کردن و شهرت دادن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند در این دنیا و سرای دیگر برای آنان عذابی دردناک می باشد».^{۴۵}

مرسله ابن ابی عمیر به نقل از امام صادق (ع) می گوید، منظور از اشاعه فحشاء در متن آیه شریفه، همان افشاگری عیوب و اسرار مردم و غیبت کردن آنان است. زیرا غیبت و بیان اسرار و عیوب و گناهان و لغزشهای افراد برای دیگران، عین انتشار و اشاعه فحشاء است.

علاوه بر آن باز از آن امام منقول است: «کسی که خطاها و لغزشهای مؤمنین را با دو چشم خود ببیند و با دو گوش خود بشنود، باز نباید آنها را برای دیگران نقل و پخش نماید. چون در آن صورت از مصادیق آیه شریفه فوق خواهد بود».^{۴۶}

پیامبر اسلام (ص) در این باره می فرماید: «من اذاع الفاحشه کم مبتدئها».

«همانا کسی که اشاعه فحشا می کند همانند کسی است که آنرا بوجود آورده است».^{۴۷}

کلینی در اصول کافی با سند ویژه از «زراره» از امام محمد باقر (ع) نقل می کند که آنحضرت فرمود:

«نزدیک ترین مرزها به کفر و بی دینی آن است که انسان لغزشها و معایب برادر دینی خود را شناسایی و به یاد بسپارد، تا روزی آنها را فاش ساخته و به رخ او بکشد».

روایت دیگری از آن حضرت منقول است و آن اینکه از آنحضرت سؤال می شود:

^{۴۳} مرتضی انصاری، مکاسب، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵ هـ.ق، ص ۴۰.

^{۴۴} محمد بن الحسن عاملی، پیشین، جزء ۱۲، شماره ۱۶۳۰۸، ص ۲۱۸.

^{۴۵} سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۱۹.

^{۴۶} حسینعلی منتظری، پیشین، ص ۲۸۶.

^{۴۷} سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، جلد اول، انتشارات اسلامی، چاپ شانزدهم، قم، ۱۳۷۸، ص ۲۹۴. (۴جلدی)

«آیا عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ می فرمایند: بلی. سؤال می شود: آیا منظور از عورت دو عضو پائین تن [اعضای تناسلی] اوست؟ حضرت می فرمایند: نه، اشتباه فهمیده ای، منظور از عورت مؤمنین، اسرار و عیوب پنهانی آنان است که پخش کردنش حرام است».^{۴۸}

از توجه به روایات وارده می توان چنین استنباط کرد که بر ملا نمودن مسائل خصوصی افراد حتی با رضایت آنان مجاز نخواهد بود و اشاعه فحشا تلقی می شود. بعضی از علما، ستر لغزشها و عیوب را از جانب خود شخص واجب دانسته اند و کسی را عادل می دانند که اگر عیب یا لغزشی باطناً از او سربزند، آن عیب و لغزش را از دیگران بپوشاند

ح - ممنوعیت خیانت در امانت

وفای به عهد و عودت امانات به صاحبان آنها موضوعی است که کراراً در آیات قرآن و سنت اسلامی به آن سفارش شده است. قرآن مجید می فرماید:

«ان الله يأمرکم اتود و الامانات الی اهلها و ...».

«همانا خداوند به شما دستور می دهد امانتها را به اهلش برگردانید».^{۴۹}

در تعریف امانت گفته شده، اگر مال کسی نزد دیگری باشد بصورتیکه نگهداری آن بر ذوالید واجب باشد این بودن مال در حفظ غیرمالک امانت نامیده می شود. امر به بازگرداندن امانت در آیه فوق شامل تمام امانات مانند ودیعه، عاریه و امانات دیگر می شود. بازگرداندن امانت، حسن عقلی دارد. بنابراین به حکم عقل عملی واجب است و امساک از بازگرداندن آن عقلاً زشت و حرام است.

امانت را بر دو قسم تقسیم کرده اند: مالکی و شرعی

امانت مالکی آن است که مالک، خود مالش را به دیگری برای نگهداری سپرده است مثل ودیعه و عاریه.

امانت شرعی وقتی است که از طرف خود مالک، مال در دست امین قرار داده نشده، و مالک، خود، اذن در نگهداری مال خویش را نداده است بلکه شارع مقدس چنین اذنی را به مکلف داده است مانند مال لقطه یا مالی که از غاصب اخذ شده است.^{۵۰} آیه دیگر که در قرآن مجید در مورد امانت ذکر شده، چنین است:

«و من اهل الكتاب من ان تأمنه بقنطار یوده الیک و منهم من ان تأمنه بدینار لایوده الیک الامادمت علیه قائماً ذلک بانهم قالوا لیس علینا فی الامیین سبیل و یقولون علی الله الکذب و هم یعلمون».

«از جمله اهل کتاب کسی است که اگر اموال بسیاری به امانت به او بسپاری آنرا به تو می پردازد و از جمله کسی است که اگر یک دینار هم به او امانت بسپاری آنرا به تو بر نمی گرداند مگر آنکه پیوسته بالای سر او بایستی و آن بدان سبب است که ایشان گفتند، در بین امیین کسی بر ما راهی ندارد و بر خداوند دروغ می بندند و حال آنکه خود می دانند».^{۵۱}

آیه شریفه در مقام ستایش رد امانت و مذمت خلاف آن است و بر وجوب رد امانت به صاحبان آن دلالت دارد. پزشک و وکیل دادگستری نیز نسبت به اطلاعاتیکه بیماران یا موکلان در اختیار آنها می گذارند در حکم امین هستند و حق افشای اطلاعات و اسرار آنها را ندارند.

ط - ممنوعیت دشنام (سب) و هجو و قذف

خداوند در آیه ۴ سوره نور می فرماید: «والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتو باربعه شهداء فاجلدوهم ثمانین جلد و لاتقبلوا لهم شهاده ابد و اولئک هم الفاسقون».

۴۸ محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ص ۳۵۸.

۴۹ سوره مبارکه نساء آیه شریفه ۵۸.

۵۰ ابوالقاسم گرگی، ایات الاحکام، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰، صفحات ۶۸ و ۶۷.

۵۱ سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۷۵.

«و کسانی که زنان پاکدامن را متهم می کنند سپس چهار شاهد (بر ادعای خود) نمی آورند آنها را هشتاد تازیانه بزنید و شهادتشان را هرگز نپذیرید و آنها فاسقانند».

قذف در لعنت به معنای پرتاب سنگ است. در حدیث هلال بن امیه آمده است که «انه قذف امرأته بشریک» یعنی او همسرش را به داشتن رفیق متهم کرد.^{۵۲} قذف در این حدیث به معنای متهم کردن زن به زنا یا چیزی به معنای آن است. در حقوق اسلامی، قذف عبارت از، متهم کردن مسلمان بالغ، عاقل، آزاد و عقیف به زنا یا لواط می باشد. قذف به استناد آیه شریفه صدرالذکر، در صورت وجود شرایط آن موجب حد می شود و حد آن هشتاد تازیانه است.

از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که پیامبر فرمودند:

«سباب المؤمن فسوق قتاله کفر و اکل لحمه معصیة و حرمة مال کحرمة دمه».

دشنام کردن به مؤمن فسق به شمار می رود.

در حدیثی دیگر از آنحضرت منقول است.

«سباب المؤمن کالمشرف علی الهلکه».

سب مؤمن، انسان را در آستانه تباهی و هلاکت قرار می دهد.^{۵۳}

برخی از فقها سب را عبارت از منتسب ساختن یک عیب یا نقص به دیگری یا نامیدن انسانها با القاب و عناوین زشت و ناپسند همچون پست، ذل، حقیر، کافر، مرتد و سایر القاب و عناوینی دانسته اند که سبب ایذای خاطر منتسب الیه می شود. اینکه واژه یا عبارتی سب است یا خیر می بایست به عرف مراجعه شود و این موضوع یک مقوله عرفی است.

هجو، ذکر معایب واقعی یا غیر واقعی دیگری به نظم یا نثر، کتبی یا شفاهی می باشد.^{۵۴} استهزاء و به تمسخر گرفتن می تواند معنی دیگر هجو باشد. حضرت علی (ع) دنبال کردن عیبهای دیگران را بدترین گناه معرفی می کند.

در اسلام سب و هجو و قذف حرام می باشد و عامل به این اعمال مرتکب گناه شده است. صرفنظر از اینکه به حقوق شخصی و حریم خصوصی اشخاص قدم نهاده و تعرض نموده است.

ی - ممنوعیت سرقت و دزدی

در تعریف سرقت گفته شده، سرقت ربودن مال غیر بطور پنهانی است. عمل ربایش اصولاً از حریم خصوصی اشخاص صورت می گیرد و تعدی نسبت به اموال محسوب می شود. و پنهانی بودن آن هتک حریم خصوصی اشخاص را می طلبد. قرآن مجید می فرماید:

«و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهمما جزاء بما کسبانکالاً من الله و الله عزیز حکیم».

«دست زن دزد و مرد دزد را قطع کنید به کیفر آن گناهی که انجام داده اند که این عقوبتی است از جانب خداوند و خداوند ارجمند و حکیم است».^{۵۵}

اسلام علاوه بر اینکه برای نفس و ناموس مردم ارزش و اعتبار خاصی قائل شده است. برای مال آنان نیز اعتبار و ارزش در نظر گرفته و برای متجاوزان به اموال مردم مجازات و کیفر پیش بینی کرده است. سختگیری اسلام در این خصوص بدین جهت است که افراد جامعه تن پروری و تنبلی را کنار گذاشته و برای رسیدن به مال و منال، کوشش و جهد نمایند تا از دسترنج خود متمتع شوند. دیگر اینکه اگر هر کس به خود اجازه دهد تا با دست یازیدن به اموال دیگران من غیر حق دارای مال و ثروت شود، ضمن ایجاد ناامنی بر آحاد جامعه، باعث عدم دخالت مردم در مسائل تجاری و بازرگانی شده و عملاً انگیزه افراد برای کسب و کار کاهش می یابد، زیرا هدف از فعالیتهای اقتصادی، جذب منفعت است و اگر کسی باور داشته باشد منافعی را که کسب می کند دیگری به تاراج خواهد برد، انگیزشی برای بدست آوردن آن منفعت نخواهد داشت.

۵۲ ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۱۱، موسسه تاریخ العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۹۹۶م، ص ۱۸۴.

۵۳ محمد بن الحسن عاملی، وسایل الشیعه، پیشین، ص ۲۹۷.

۵۴ محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۴، گنج دانش، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۸۷۹.

۵۵ سوره مبارکه مائده، آیه شریفه ۳۸.

شرایط تحقق مسوولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی

مسؤولیت در طول تاریخ سرنوشت متحول و پرماجرایی داشته است. از زمان تکوین و پیدایش جامعه های نخستین تاکنون مبنای آن تغییر یافته و به سوی تکامل پیش رفته است. این واژه در جامعه صنعتی اهمیت بیشتری پیدا نموده و در نظامهای حقوقی مختلف توجه خاصی به آن شده است. به گفته برخی از حقوقدانان: «فکر مسوولیت هرکس در مقابل عمل خود به اندازه عمر بشر طولانی و قدیمی است»^{۵۶}. جوامع نخستین نیازی به قانون نداشتند و بر اساس عرف اجتماع عمل می کردند. آلفرد راسل والاس در این خصوص چنین می گوید: «من با وحشیان امریکای جنوبی و وحشیان خاور مدتی به سر بردم، در میان آنان قانون و محکمه ای نبود، جز افکار عمومی که مردم با کمال آزادی آنرا بیان می کردند، هر کس حقوق همسایگان خود را بطور دقیق محترم می شمرد و خیلی کم اتفاق می افتاد که کسی بر این حقوق دست درازی کند، در چنین اجتماعات، مساوات میان افراد تقریباً حالت کمال را دارد»^{۵۷} کم کم با پیشرفتهایی که در زمینه علوم مختلف حاصل شد، نیاز به تدوین قوانین، امری ضروری به نظر می رسید و در ابتدا زیان دیده به دلخواه خود از متجاوز و مرتکب فعل زیانبار انتقام می گرفت و یا مقابله به مثل می کرد. پس از این مرحله، تفکر انتقام شخصی در جنایات رو به افول رفت و قابل انعطاف گردید. یعنی در این مرحله، متضرر مخیر بود که انتقام بگیرد یا بجای انتقام، مالی را دریافت کند. بعد از این مرحله با تشکیل حکومتهای نخستین، خسارت مالی الزامی شد و بعد از این مرحله، مسوولیت جزایی از مسوولیت مدنی مجزا گردید و دولتها بودند که مجازات می کردند و برای قربانی، فقط حق مطالبه خسارت باقی می ماند، و برای تحقق مسوولیت مدنی، تنها شرط ایجاد ضرر کفایت می کرد. اعم از اینکه فاعل فعل زیانبار مقصر بود یا نه. بعداً در قانونگذاری ها به تقصیر عامل زیان توجه شد و نظریات مختلفی پیرامون مبنای مسوولیت از سوی صاحب نظران ابراز گردید.

مبانی مسوولیت مدنی در حقوق موضوعه ایران

قانونگذار ایرانی در قوانین مختلف به مسوولیت مدنی اشخاص پرداخته است. قانون مدنی در فصل دوم از باب دوم و در مواد ۳۰۷ لغایت ۳۳۷، تحت عنوان «در ضمان قهری» از چهار عامل، غصب، اتلاف، تسبیب و استیفاء ناروا، یاد کرده است. قانون گذار در مواد مربوط به غصب و اتلاف، تقصیر را شرط ایجاد مسوولیت ندانسته است. مسوولیت غاصب در برابر مالک، مسوولیتی عینی است.^{۵۸} و در اتلاف همین که رابطه علیت عرفی بین کار شخص و تلف موجود باشد، برای فاعل، ایجاد مسوولیت می کند و لزومی ندارد که تقصیر او نیز احراز شود. حتی ممکن است اتلاف به غیر عمد صورت گیرد و مسوولیت به بار آورد.^{۵۹} در تسبیب، لزوم تقصیر در هیچ ماده ای بطور صریح نیامده است، اما در پاره ای از مثالها، مسوولیت منوط به خطای مسبب شده است. چنانچه ماده ۳۳۴ قانون مدنی می گوید: «مالک یا متصرف حیوان مسوول خساراتی نیست که از ناحیه حیوان وارد می شود، مگر اینکه در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد...» همچنین در ماده ۳۳۳ قانون یاد شده، مسوولیت مالک نسبت به خساراتی که در نتیجه خراب شدن دیوار یا عمارت یا کارخانه به بار می آید، منوط به بی مبالاتی او شده است. در قانون مجازات اسلامی و مواد ۳۳۹ آن به بعد در قالب موارد، تقصیر مسبب شرط ایجاد مسوولیت است. ماده یک قانون مسوولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، بکلی مبنای مسوولیت مدنی را تغییر داد. به موجب این ماده: «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسوول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد». بدین ترتیب با عنایت به ماده قانونی مزبور، مسوولیت مدنی بر مبنای تقصیر استوار شد. زیرا، در مقام بیان قاعده کلی، قانون، ورود ضرر به دیگری را در نتیجه عمد یا بی احتیاطی به دیگری تصور نموده است.

^{۵۶} پروفیسور گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه ضیاءالدین نقاب، جلد اول، انتشارات ابن سینا، تهران، بی تا، ص ۴۷۶.

^{۵۷} ویل دورانت، تاریخ تمدن، جلد اول، تهران، ۱۳۷۰، صفحات ۳۴ و ۳۳.

^{۵۸} مواد ۳۱۵ قانون مدنی به بعد.

^{۵۹} رجوع شود به ماده ۳۲۸ قانون مدنی

قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی مصوب ۱۳۴۷ و قانون جدید التصویب مصوب ۱۳۸۷، مسوولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی را ناشی از فعل یا تقصیر آنها ندانسته است. مالکیت وسیله نقلیه باعث می شود تا بطور نوعی آنها ضامن جبران خسارتی شوند که در حادثه رانندگی به دیگران وارد شده است. قوانین کارگر و کارفرما، برای کارفرما، فرض تقصیر شده است و بموجب ماده ۱۲ قانون مسوولیت مدنی، در صورتیکه محرز شود تمام احتیاط هایی را که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نمود، بعمل آورده، از مسوولیت مبرا می شود. بنابراین با سیری که در قوانین انجام دادیم، مشخص گردید که در حقوق ایران مسوولیت اصولاً مبتنی بر تقصیر است. یعنی اصل کلی این است که شخص در صورتی مسوول زیانهای ناشی از کار خویش است که مرتکب تقصیر شده باشد.^{۶۰} اما پذیرش این اصل مانع از آن نیست که در مواقعی مسوولیت بدون تقصیر نیز وجود داشته باشد. قانونگذار بطور کامل از هیچ یک از نظریات پیروی نمی کند. البته در قوانین ایران همواره بر دو نظریه تقصیر و خطر تکیه شده است و نظریات دیگری که مفصلاً به آنها اشاره شد، مورد لحاظ قانونگذار ایرانی قرار نگرفته است.

ارکان مسوولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی

پس از شناخت مفهوم و مبانی حمایتی و انواع حریم خصوصی و همچنین مبانی نظری مسوولیت مدنی و تبیین آنها، اکنون، ارکان مسوولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی را بررسی می کنیم. در همین زمینه سه رکن عمده، فعل زیانبار، ضرر ناشی از نقض حریم خصوصی و رابطه سببیت میان نخستین ارکان، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

الف - فعل زیانبار و تقصیر

بر اساس آنچه گذشت، در هر مورد که از کاری به دیگران زیان برسد، مسوولیت مدنی ایجاد نمی شود. مسوولیت مدنی هنگامی ایجاد می شود که فاعل زیان، عملی انجام دهد که در نظر اجتماع ناهنجار باشد و اخلاق عمومی ورود ضرر را ناشایسته بدانند. در «حقوق حریم خصوصی» زمانی مسوولیت مدنی مصداق پیدا می کند که فاعل و کننده کار خسارت آور، «تقصیر» بنماید و قبلاً گفته شد، منظور از تقصیر، تقصیر نوعی است نه تقصیر شخصی.

مصادیق تقصیر در قلمرو حقوق حریم خصوصی، عبارت است از زیان وارد نمودن به شهرت حرفه ای یا حیثیت شخصی و خانوادگی افراد، انتساب یک موضوع دروغ یا موهن به اشخاص، لطمه وارد نمودن به آزادی و سلامتی اشخاص و بازداشت غیرقانونی آنها، از بین بردن آسایش و امنیت خلوتگاه افراد و ورود غیرمجاز به خلوتگاه آنان، افشاء اسرار حرفه ای پیرامون مراجعه کنندگان، دسترسی به اطلاعات اشخاصی که، دانستن آن اطلاعات برای دیگران مجاز نیست، بازرسی غیرقانونی مراسلات، مخابرات و مکالمات و تلگرافهای اشخاص وفاش کردن آنها، پاییدن مستخدمین و کارگران بوسیله مانیتورینگ و دوربینهای مدار بسته در اماکن محیط کار و اماکن خصوصی آنها، انجام آزمایشاتی که بر خلاف کرامت انسانی بوده و به تمامیت افراد و حرمت آنها خلل وارد می آورد، ورود به عالم مجازی و اینترنت و مسائل دیگری که در این تحقیق به آنها اشاره رفته است.

همان گونه که پیش تر گفته شد، از آنجا که بنظر می رسد مبانی مسوولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی، تقصیر نوعی می باشد. بنابراین عمدی یا غیر عمدی بودن مصادیق مذکور، تأثیری در تحقق مسوولیت فاعل فعل زیانبار ندارد و کافی است احراز شود، فاعل عمل زیانبار، مرتکب تقصیر شده است یا نه؟ یعنی عمل او با رفتار یک شخص محتاط و متعارف در همان شرایط خارجی، مخالف بوده یا نه. بر این اساس حتی اگر مرتکبین عمل زیان آور، مجنون و صغیر غیر ممیز نیز باشند، چون روان و باطن عامل فعل زیانبار با عنایت به مقررات قانونی که قبلاً ذکر آن رفت، تأثیری در جبران مسوولیت ندارد، آن افراد به طریقی مسوولیت خواهند داشت. مصادیق تقصیر در این تحقیق در همین فصل، تحت عنوان «موارد نقض حریم خصوصی و شرایط تحقق مسوولیت مدنی» به تفصیل بیان گردید و مبین شد، چه اعمال و رفتارهایی موجب نقض حریم خصوصی اشخاص می شود، و در این خصوص مسائل، با ریزبینی خاصی دنبال شد. به نظر می رسد مطرح ساختن دوباره آنها نیاز نباشد.

۶۰ ناصر کاتوزیان، وقایع حقوقی، پیشین، ص ۲۴.

۱- انجام فعل زیانبار

فعل زیانبار در حقوق حریم خصوصی اصولاً به صورت انجام عمل مثبت و وجودی محقق می شود مانند اینکه، مأمور اداره پست، بدون اجازه، نامه ها و مراسلات دیگران را گشوده و محتویات آنان را بازرسی نماید. این بازرسی و باز نمودن نامه و مراسلات پستی، یک عمل وجودی و مثبت است که عامل، آنرا انجام داده است و چون این عمل، تجاوز به حریم خصوصی ارسال کنندگان و دریافت کنندگان مرسولات می باشد، انجام دهنده، عامل زیانبار تلقی می شود. اما ممکن است در مواردی ترک فعل موجب نقض حریم خصوصی اشخاص و باعث ورود ضرر به دیگری شود. بعنوان مثال؛ کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد بعهدده او می باشد، در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسوول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد. عبارت دیگر، اگر صغیر یا مجنون به حریم منزل و خلوتگاه شخصی وارد شود و در نتیجه این ورود غیرقانونی، ضرر و زبانی به کسی که حریم خصوصی اش نقض گردیده وارد بشود، سرپرستان قانونی آنها در صورتیکه در نگاهداری و مواظبت آنان تقصیر نموده باشند، می بایست ضرر و زیان وارده را جبران نمایند. حقوقدانان، تحقق عمل زیانبار را برای ایجاد مسوولیت مدنی لازم و ضروری می دانند. در صورتیکه فعل زیانبار به وقوع نپیوندد، وجود مسوولیت، موضوعاً منتفی می گردد.

۲- نامشروع بودن فعل زیانبار

علاوه بر انجام فعل زیانباری که برای بار نمودن مسوولیت بر فاعل فعل در نقض حریم خصوصی لازم است. فعل مذکور باید به نحو غیرقانونی و نامشروع انجام شود. اصل نامشروع و غیرقانونی بودن ضرر رساندن به دیگران، یک اصل عقلی است و کسی در آن شک ندارد. ولی با این اوصاف، از ماده یک قانون مسوولیت مدنی برای لزوم این شرط استفاده می شود. فراز اول ماده مرقومه می گوید: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی و...». از عبارت «بدون مجوز قانونی» می توان استنباط کرد که فعل زیانبار می بایست، نامشروع باشد. موضوع مهم و شایسته بحث، این است که آیا فعل زیانبار باید نامشروع باشد یا اگر فعل مشروع، موجب ورود ضرر شود، ضمان هم وجود خواهد داشت؟

در فقه در پاسخ به این سؤال دو نظر وجود دارد. گروهی معتقدند، فعل موجب ضمان باید نامشروع باشد و فعل مباح ضمان آور نیست. مگر اینکه فاعل در حین انجام فعل مشروع، تعدی و تفریط کند که در اینصورت به استناد تعدی و تفریط ضامن است. ۶۱

گروهی دیگر بر این اعتقادند، مطلق ضرر رساندن به دیگری، اعم از اینکه منشأ ورود ضرر فعل مباح یا نامشروع باشد، به حکم شرع، ضمان آور است. این عده بر این عقیده اند که، ادله حرمت اضرا به دیگری و لزوم جبران آن مطلق است ولو فعل زیانبار از افعال مشروع و واجب باشد. ۶۲

علمای حقوق نیز بعضی، ۶۳ ضمن ضروری دانستن شرط غیر مشروع بودن فعل موجب ضمان معتقدند لزومی ندارد که فعل موجب ضمان، مورد منع صریح قانونی قرار گیرد، بلکه کافی است فعل، ضرری قابل سرزنش محسوب شود و در نتیجه اعمال خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه را نیز از اعمال نامشروع باید شمرد. بنظر می رسد فعل زیانبار اعم از اینکه مشروع یا نامشروع باشد، موجب ضمان و مسوولیت است. زیرا علاوه بر اینکه، مشروعیت فعل انجام دهنده نباید موجب ضایع شدن حق دیگران شود، ادله لزوم جبران خسارت وارده به غیر، عام است و مقید به عدم مشروعیت فعل نشده است. در نتیجه، قید یا شرط غیر مشروع بودن، باید به ضرر وارده نسبت داده شود زیرا آنچه اهمیت دارد، جبران ضرر ناروا و احقاق حق زیان دیده است.

۶۱ ابن ادریس حلی، سراج، مؤسسه النشر اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ هـ.ق.

۶۲ میرسید علی طباطبایی، ریاض المسائل، جلد چهاردهم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۲ هـ.ق، ص ۲۲۷.

۶۳ علیرضا یزدانینان، حقوق مدنی، قلمرو و مسوولیت مدنی، ادبستان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۰۷ و ناصر کاتوزیان، ضمان قهری، پیشین، ص ۲۷۱.

در اصل ۴۰ قانون اساسی ایران می خوانیم: «هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». بنابراین هر چند شخص در اعمال حق مشروع خویش مجاز شناخته شده است، ولی در اعمال حق مشروع خود نیز نمی تواند وسیله ضرر دیگری شود. بنابراین، فعل زیانبار باید ضرر غیرمشروع یا ناروایی را به زیان دیده وارد نماید.

۳- عنوانهای معاف کننده

در مباحث مربوط به مسوولیت مدنی، حقوقدانان از پاره ای افعال زیانبار صحبت به میان آورده اند، که این افعال با اینکه موجب زیان دیگران است، مسوولیتی برای عامل و فاعل آن به بار نمی آورد. در اینگونه موارد به لحاظ طبیعت کاری که انجام شده یا به دلیل حکم قانون، نمی توان برای فعل ارتکاب شده مسوولیتی را بار نمود. و به همین لحاظ مرتکب این قبیل افعال، قابل سرزنش نیست و جبران خسارت از او خواسته نمی شود.

دفاع کننده مشروع یکی از آن موارد است. انجام فعل در مقام دفاع از جسم یا آبرو و حیثیت و مال است که به دفاع مشروع معروف است. در دفاع مشروع، شرایط و اوضاع و احوال انجام فعل به گونه ای است که نه تنها عرفاً انجام عمل زیانبار، مشروع و مجاز تلقی می شود. بلکه در بعضی از موارد، انجام فعل، لازم و ضروری محسوب می گردد. در نتیجه، فعل زیانبار به مهاجم استناد پیدا می کند. دفاع مشروع در «حریم خصوصی» هم مصادیقی دارد. برای مثال؛ هنگامیکه به حریم جسمانی فردی صدمه وارد می شود، این صدمه موجب نقض حریم خصوصی وی می گردد. اگر این خسارت بدنی در نتیجه دفاع مشروع وارد شده باشد، دیگر نمی توان گفت به حریم خصوصی مصدوم تجاوز شده است و از موضوع نقض حریم خصوصی جسمانی خارج است.

شیوه های جبران ضرر در نقض حریم خصوصی

شیوه های جبران ضرر در نقض حریم خصوصی اشخاص حقیقی

هدف اصلی و طبیعی شیوه های جبران، دفع یا رفع زیان وارده می باشد و این هدف به منظور تأمین عدالت دنبال می شود. گرچه هدف شیوه های جبران در دعاوی ناشی از نقض قرارداد، با هدف این شیوه در مسوولیت مدنی یکسان است. اما تفاوتی میان راه های وصول به هدف واحد در این دو نوع مسوولیت وجود دارد. در مسوولیت های قراردادی بیشترین تلاش دادرسی این است که اگر قرارداد همانگونه که تنظیم شده بود، اجرا می شد، چه آثار و منافعی را عاید خواهان کرده بود. بر این اساس دادرسی سعی می کند تا خواهان را در آن وضعیتی قرار دهد که در فرض اجرای درست قرارداد، باید قرار می داشت. لیکن نگاه مسوولیت مدنی به هنگام جبران زیان به گذشته است. به سخن دیگر دادرسی به وضعیت پیش از ورود ضرر می نگرد و از خود می پرسد، چنانچه حادثه زیانبار بوقوع نمی پیوست، وضع چگونه بود؟^{۶۴} برای مثال دادرسی به این می اندیشد که اگر پزشک یا وکیل، اسرار بیمار یا موکل خود را فاش نکرده بود، آنها چه وضعی داشتند. بعبارت دیگر اگر حریم خصوصی خواهان توسط خواننده نقض نمی شد موضوع چگونه بود؟

جبران زیان یعنی بازگرداندن ارزش از بین رفته به حیثیت، اعتبار و دارایی خسارت دیده. همواره برای تحقق جبران خسارت، اصولی نیز باید رعایت شود و در این باره در زیر به آنها می پردازیم. همچنین در این گفتار بحث ما در خصوص شیوه های جبران خسارات وارده به اشخاص حقیقی است.

الف - اصل لزوم جبران کامل ضرر

منظور از جبران کامل ضرر، این است که خسارتی مورد حکم قرار گیرد که با پرداخت آن به زیان دیده، گویی فعل زیانبار انجام نشده است. قاضی در رسیدگی به پرونده با توجه به نوع ضرر وارده، باید به نحوی مبادرت به صدور رأی نماید که خسارت دیده و متضرر تا حد امکان در وضعیت قبل از وقوع فعل زیانبار قرار گیرد.^{۶۵} و یا لاقلاً در وضعیتی نزدیک به وضع سابق قرار گیرد. البته این عمل بسیار مشکل است و می توان گفت در بسیاری از موارد، دادرسی نمی تواند با اجرای شیوه های جبران ضرر،

۶۴ باقر انصاری و جهانسوز شیخ الاسلامی کندلوسی، پیشین، ص ۴۷۸.

۶۵ علیرضا باریکلو، پیشین، ص ۲۰۹.

خسارات وارد بر زیان دیده را مورد حکم قرار دهد بعنوان نمونه، چگونه می توان خسارت وارده بر کسی را که با افشاء یک فیلم خانوادگی، دچار ناراحتی روحی و روانی شده و حیثیت و آبرویش در جامعه و در بین اقوام و دوستانش لکه دار گردیده با عذرخواهی و یا پرداخت غرامت و یا حتی با درج در مطبوعات و غیره جبران کرد.

ولی به نظر می رسد چاره ای جزء صدور حکم به جبران ضرر وجود نداشته باشد و اگر زیان دیده شرایط مسوولیت فاعل فعل زیانبار را ثابت نمود و از دادگاه جبران خسارت وارده را خواستار شد، دادگاه باید حکم به جبران خسارت وارده بر او را صادر نماید و نمی تواند از صدور حکم به لزوم جبران ضرر وارده به هر بهانه ای خودداری کند. مراد از اصل لزوم جبران کامل خسارت همین است.

ب - اصل لزوم مناسب بودن شیوه های جبران با ضرر وارده

شیوه جبران خسارت باید با ضرری که به زیان دیده وارد شده متناسب باشد. بعبارت دیگر باید بین روش و شیوه جبران ضرر و ضرر وارده یک سنخیت عرفی برقرار باشد. بر این اساس شیوه جبران هر خسارتی، با توجه به متعلق آن، متفاوت خواهد بود. برای مثال؛ شیوه جبران خسارتی که ناشی از نقض حریم خصوصی اشخاص بوسیله دید زدن و نگاه کردن در خلوت آنان است با شیوه جبران خسارت ناشی از سلب آزادی تن و حبس غیرقانونی شخص متفاوت است. دادرس دادگاه باید در صدور حکم در خصوص هر یک از این موارد، شیوه خاصی را در نظر بگیرد. ماده ۲ قانون مسوولیت مدنی در این باره می گوید:

«در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد، دادگاه، پس از رسیدگی و ثبوت امر، او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد، دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده، محکوم خواهد نمود».

به همین منظور اگر در اثر نقض حریم خصوصی افراد، خسارت مادی به آنها وارد آید؛ زیان دیده می تواند حسب مورد جبران عین یا جبران معادل آن و یا جبران مثل و یا جبران قیمت آنرا از دادگاه تقاضا نماید. ولی اگر در نتیجه نقض حریم خصوصی اشخاص، خسارت معنوی به آنها وارد شود، فاعل و عامل فعل زیانبار باید اینگونه خسارات را جبران نماید و اینگونه خسارات باید به گونه ای جبران شوند که عرفاً مفهوم جبران بر آن صدق نماید.

ج - اهداف تعیین شیوه های جبران ضرر

بررسیهای حقوق تطبیقی نشان می دهد که در نظام های حقوقی ملی، حسب موارد، اهدافی برای تعیین شیوه های جبران، مورد توجه قرار گرفته است. از جمله اهداف مذکور عبارتند از:

- ۱- جبران خسارت
- ۲- اعاده وضع به حالت پیشین
- ۳- اعلام حقوق متداعیین
- ۴- خرسند سازی زیان دیده
- ۵- مجازات یا تنبه مقصر یا متخلف
- ۶- حفظ نظم حقوقی، آموزش و بازدارندگی
- ۷- جلوگیری از دارا شدن غیرعادلانه اشخاص

اهداف مذکور متناسب با نوع خسارت و درخواست خسارت دیده است و نهادهای حقوقی و نظامهای حقوقی ملی در دعوی مسوولیت مدنی آن را دنبال می کنند که در این میان، نقش طبیعت زیان ایجاد شده، زیاد است.

نکته مهم دیگر این است که، امکان گزینش این شیوه ها برای خواهان، خوانده و دادرس تا چه اندازه است؟ آیا آنها می توانند با وجود امکان استفاده از شیوه جبران مالی به شیوه جبران غیرمالی یا برعکس متوسل شوند؟ با فرض امکان چنین درخواستی از هر یک از اصحاب دعوا، دادرس دادگاه چه تکلیفی دارد.

در پاسخ باید گفت، در هر یک از نظامهای حقوقی بزرگ جهان، سیاست حقوقی متفاوتی در این باره وجود دارد. در نظام حقوقی کامن لا، خواهان دعوی مسوولیت مدنی، گاهی امکان گزینش میان طرح دعوی مسوولیت قراردادی یا مسوولیت مدنی

به معنی خاص کلمه را در صورت فراهم بودن شرایط اقامه هر دو دعوا دارد و هم این که در صورت گزینش هر یک از این دو شیوه، می تواند از میان عناوین دعوی مسوولیت قراردادی یا مسوولیت مدنی نیز دست به گزینش بزند. این امکان در نظام حقوقی کامن لا به Choice OF remedies مرسوم است و مبنای آن نیز این عبارت فلسفی است که خواهان می تواند هر وسیله ای را که به نفع خود، تشخیص می دهد، برای اقامه دعوا انتخاب کند.^{۶۶}

اما در نظام حقوقی رومی - ژرمنی و تحت تأثیر آموزه های این نظام حقوقی، در حقوق ایران اختیار خواهان در گزینش شیوه اقامه دعوا یا شیوه جبران خسارت محدود است و صرف نظر از پاره ای مباحث نظری که گاهی امکان شناسایی این اختیار را برای خواهان مورد تصریح قرار داده اند، نظر و رویه پذیرفته شده یا غالب آن است که خواهان تنها در صورتی حق گزینش، میان شیوه های جبران زیان را دارد که این کار وی، بنیاد دیگر نهادهای جبران زیان را متزلزل نکرده، فلسفه وجودی آنها را منتفی نسازد و عبارت دیگر این کار وی هنگامی مجاز است که به هرج و مرج و تداخل در چهارچوب های دیگر شیوه های جبران زیان، نینجامد.^{۶۷}

در هر حال با توجه به اینکه ماهیت مسوولیت مدنی، تعهد به جبران زیان است، هدف جبران زیان در مفهوم آن نیز تأثیر گذاشته است. به گونه ای که برخی می گویند: «خسارت، عبارت است از زیان قابل جبران» و آن خسارتی که شیوه ای برای جبران آن، وجود ندارد، نباید به این اسم نامیده شود.

برای تحقق جبران خسارات، اصولی وجود دارد که رعایت آنها برای انتخاب شیوه های جبران به دادرسان توصیه شده است. برخی از این اصول به ترتیب زیر هستند:

- ۱ - میزان غرامتی که پرداخت می شود، باید با توجه به گستره زیان تعیین شود نه بر حسب شدت تقصیر.
- ۲ - اینکه ارزیابی زیان به عهده دادرسان بوده، جنبه ماهوی دارد. آنها باید در صورت لزوم، قرار ارجاع امر به کارشناسی صادر کنند و از نظریه کارشناسان واجد صلاحیت استفاده کنند.
- ۳ - هنگامی که یک تقصیر، زیان های چندی را به بار آورده است، باید برای همه زیان ها جبران به عمل آید.

نتیجه گیری:

هدف و منظور در هر تحقیق و تتبع علمی و پژوهشی، رسیدن به نتیجه ای مطلوب و ارائه راه کارهایی مناسب برای استفاده در جامعه و اجتماع می باشد، تا دست اندرکاران و کسانی که دستی بر آتش دارند، از این تحقیقات حسن استفاده کرده و جهت بهتر شدن امور و آسایش هر چه بیشتر افراد اجتماع آنها را به کار برند، نتایج حاصل از تحقیق پیش رو را می توان در چند موضوع، ارائه داد.

۱ - حریم خصوصی، یکی از رشته های نوین حقوقی در جهان امروزی است. این رشته حقوقی، عمدتاً در قرن بیستم به منصف ظهور رسیده است. بر اساس نتایج یک پژوهش علمی تا پیش از سال ۱۹۶۰ در باب این موضوع تقریباً هیچ مطلبی منتشر نشده است. یعنی می توان چنین گفت که در حقوق غربی، پیدایش «حقوق حریم خصوصی» از سال ۱۹۶۰ میلادی نمودار شده است. از آن سال به بعد بود که کنوانسیون ها و اسناد حقوق بشری، منع تجاوز افراد به حریم خصوصی یکدیگر را پیش بینی کردند و حریم منزل، مکالمات و ارتباطات، اطلاعات و غیره را تفسیر و توضیح دادند. حقوق داخلی کشورهای غربی با تأسی بر اسناد مذکور و بسط و تعالی آنها و همسان سازی با حقوق داخلی خود در خصوص حریم خصوصی، مبادرت به وضع قانون نمودند.

در حقوق اسلامی، از هنگام پیدایش اسلام و نبوت حضرت محمد (ص) و نزول وحی، آیات و احادیث متعددی به حریم خصوصی اشخاص، اختصاص یافته است. در اسلام از حریم جسمانی و ارتباطات و اطلاعات به تصریح حمایت شده است.

^{۶۶} Andrew Tettenborn, Law of Restitution, 1992, p.99.

^{۶۷} ناصر کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد، پیشین، ص ۱۲۷ - ۱۱۶.

استثنایی که در منابع اسلامی بر ممنوعیت مداخله در امور دیگران وارد شده است، بسیار محدود و مضیق بوده، تنها به دلیل ضرورت‌های اجتماعی مهم، از جمله مواقعی که جلوگیری از محبوط و پایمال شدن حقوق دیگران مطرح می‌باشد، مقرر شده‌اند. در واقع دخالت در حریم خصوصی استثناء بوده و به قدر متیقن و قدر ضرورت خود محدود شده است و تفسیر موسع آن ممنوع می‌باشد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که حریم خصوصی در نظام احکام اجتماعی اسلام، قلمرو وسیعی از زندگی انسان را شامل می‌شود. در این قلمرو، آزادی انسانها در تعیین سرنوشت خود به رسمیت شناخته شده است. اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از حکومتها و غیره، از مداخله در این حریم منع شده‌اند. در صورت مداخله اشخاص مذکور و نقض حریم خصوصی افراد اجتماع، آنان مسوولیت جزائی و مدنی دارند.

در مقایسه حقوق غربی با حقوق اسلامی در حقوق حریم خصوصی، می‌توان به صراحت اذعان داشت که قدمت حقوق غربی در این مقوله حقوقی متجاوز از پنجاه سال نمی‌باشد، اما از بدو و تولد اسلام به این گونه حقوق توجه و عنایت خاصی مبذول شده است و قدمت آن در اسلام به بیش از ۱۴۰۰ سال می‌رسد.

۲- مقوله‌هایی چون جسم، مال، ارتباطات اعم از ارتباطات دور و ارتباطات نزدیک با اقسام و انواع آنها، اطلاعات و اسرار، حیثیت و آبرو، حریم خلوت و منزل، عقاید و آراء و افکار، نوشتار، جملگی حریم خصوصی محسوب می‌شوند. تعرض به آنها توسط اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع می‌باشد.

۳- حقوق موضوعه ایران، این رشته حقوقی را به صورت یک رشته مستقل و مجزا شده از رشته‌های دیگری حقوقی به رسمیت نشناخته است و قانونی تحت عنوان «قانون حمایت از حریم خصوصی» تاکنون به تصویب نرسیده است. در قوانین مختلف، بطور موردی، مسائل مربوط به حریم خصوصی مطرح شده و گاهاً ضمانت اجرای کیفری یا حقوقی برای ناقضین در نظر گرفته شده، ولی قانونی جامع، پیرامون آن وجود ندارد. این قضیه، یک نقص بزرگ در قوانین است.

۴- ناقضین حریم خصوصی، دارای مسوولیت مدنی هستند. مبانی نظری مسوولیت مدنی در نقض حریم خصوصی در تحقیق پیش رو، نظریه تقصیر نوعی است. در قوانین مختلف، اعم از جزائی و مدنی مبنای مسوولیت «تقصیر» در نظر گرفته شده است. برای اینکه وقوع تقصیر از ناحیه کسی احراز شود، کافی است که عمل شخص، با رفتار یک شخص محتاط و متعارف در همان شرایط خارجی وقوع حادثه مخالف باشد.

۵- زیان دیده از نقض حریم خصوصی می‌تواند کلیه خسارات مادی و معنوی خود را از عامل زیان مطالبه کند و دادگاه می‌تواند در صورت وجود ارکان مسوولیت مدنی، از شیوه‌های جبران ضرر اعم از مالی و غیرمالی استفاده کرده و عامل زیانبار را محکوم نماید.

۶- ارزیابی ضررهای مادی و معنوی در اقسام نقض حریم خصوصی متفاوت بوده و کشورهای مختلف در برخورد با این موضوع، رویه‌های متفاوتی دارند. در ایران دادگاه می‌تواند حسب مورد از پزشکی قانونی و کارشناسان رسمی دادگستری واجد صلاحیت در رشته مورد نظر کارشناسی، استفاده کند.

در صورتی که نظریه کارشناس با اوضاع و احوال محقق قضیه مطابقت داشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر می‌دهد و مورد لحقوق حکم قرار می‌دهد.

۷- از آنجا که هدف از مراجعه به مراجع قضائی، رسیدن زیان دیده به کلیه خسارات وارده آمده بر وی می‌باشد. نامبرده می‌تواند قبل از اقامه دعوی اصلی و یا در اثنای دعوی و یا پس از صدور حکم دادگاه، حسب مورد، تقاضای صدور قرار تأمین خواسته و یا دستور موقت، از دادگاه واجد صلاحیت، بنماید. دادگاه، در صورت وجود شرایط مقرر قانونی، نسبت به صدور تأمین خواسته یا صدور دستور موقت اقدام لازم را مبذول می‌نماید. بنابراین، متضرر با این قبیل اقدامات خود، می‌تواند حقوق تضییع شده خویش را تضمین و در وقت مقتضی، احیاء نماید.

منابع

۱- قرآن مجید

۲- امامی، حسن؛ حقوقی مدنی، جلد اول، دوم و چهارم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱.

- ۳- انصاری، باقر؛ حقوق حریم خصوصی، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۹۶.
- ۴- انصاری، باقر و همکاران؛ مسوولیت مدنی رسانه های همگانی، چاپ اول، تهران، معاونت پژوهشی تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۶.
- ۵- بجنوردی، سید محمد حسن؛ قواعد فقه، چاپ سوم، تهران، نشر عروج، ۱۳۸۹.
- ۶- بروجردی عبده، محمد؛ حقوق مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.
- ۷- یاد، ابراهیم؛ حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول و سوم، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم و چهارم، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۱.
- ۹- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر؛ آزادیهای عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- ۱۰- العطار، داود؛ دفاع مشروع در حقوق جزای اسلامی، ترجمه اکبر غفوری، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر؛ وقایع حقوقی، چاپ اول، تهران، نشر یلدا، ۱۳۹۱.
- ۱۲- گرجی، ابوالقاسم؛ آیات الاحکام، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.
- ۱۳- منتظری، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمود صلواتی، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات سرایی، ۱۳۹۶.
- ۱۴- موسوی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، ۴ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
- ۱۵ - پیام، علی، حریم خصوصی شهروندان افغانستان در اسناد حقوقی، قابل دسترس در،
<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1387316>.